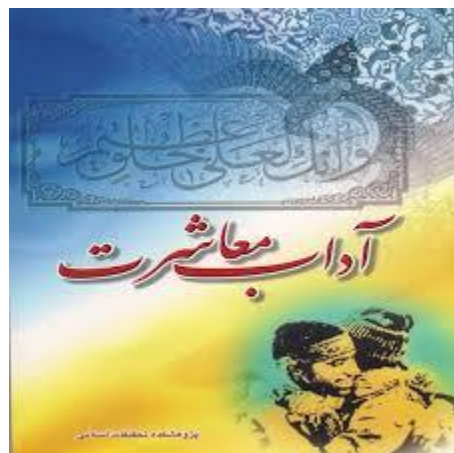


سیره اهل بیت علیهم السلام در معاشرت



محمد تقی صرفی پور



مقدمه:

بعد از حمد و سپاس خداوند حکیم و درود و صلوات فراوان بر سرور پیامبران الهی حضرت محمد و اهل بیت طاهریش
از مسائل مهم زندگی هر فردی، مساله چگونگی معاشرت او با دیگران است. در خانه چگونه رفتار می کند. در مدرسه و محل تحصیل چگونه؟ در محل کار و با همسایه ها و با دوستان و فامیل چگونه برخورد می کند؟
در این زمینه نیاز به الگو داریم و بهترین الگو، رفتار پیامبر خدا و اهل بیت او می باشند.

در این کتاب به بعضی از این رفتارها پرداخته می شود.

کرمانشاه. تابستان 99

آداب معاشرت

دست دادن

«ابوعبیده می گوید: من با امام باقر (ع) در یک کجاوه شتر نشسته بودیم. وقتی در کجاوه مستقر شدیم، امام مانند کسیکه مدتی مرا ندیده است، بر من سلام کرد و حال مرا پرسید و بامن دست داد. وقتی پیاده شدیم، اول امام پائین رفت و بعد من پائین رفتم. مجدداً امام سلام کرد و حال مرا پرسید. من گفتم: یا بن رسول الله! اینگونه که شما باما، حال و احوال می کنید، مردم نمی کنند! فرمود: مگر نمی دانی که دست دادن چقدر ثواب دارد. وقتی دو نفر مؤمن با یکدیگر دست می دهند، پیوسته گناهانشان مانند برگ درخت، می ریزد و خدا به آن دو نظر رحمت می کند تا از هم جدا شوند.» 421

«رسول خدا (ص): با هم دست بدهید که کینه ها را از دل می برد.» 423

«شایسته نیست بوسیدن دست کسی مگر بوسیدن دست نبی یا وصی نبی!» 424

«امام هفتم (ع): در هنگام ملاقات با برادران دینی، صورت او را بوسید ولی هنگام ملاقات با امام، میان دو چشمش را بوسید.» 425

«امام ششم (ع): بوسیدن دهان خوب نیست مگر دهان زن و فرزند خود!» 426

«از امام رضا (ع) سؤال شد: انسان چه نیکی را از دیگری رد نکند؟ فرمود: اگر جایی برای نشستن تعارف کردند یا بوی خوش (عطر) برای استفاده او آوردند یا بالش برای تکیه اش گذاشتند و امثال اینها!» 427

«امام ششم (ع): هر که مؤمنی را اکرام کند، گویا خدا را اکرام کرده است.» 428

«رسول خدا (ص): هر که به عده ای از مسلمانان خدمت کند، خداوند در بهشت به عدد آنها به او خدمتکار عطا فرماید.» 429

«امام پنجم(ع): با کسی معاشرت کن که تو را می‌گریاند و خیر خواه توست! و با کسی که تو را می‌خنداند و فریب می‌دهد، معاشرت منما!» 430

«امام هفتم(ع): از مواضع تهمت و شک پرهیزید و حتی 'در کوچه با مادر خود نایستید! زیرا همه نمی‌دانند که این زن مادر توست!» 431

«علی(ع): بدترین رفیق کسی است که معصیت خدا را در نظر تو، خوب جلوه دهد!» 432

«رسول خدا(ص): چهار چیز دل را می‌میراند! گناه بعد از گناه، صحبت زیاد با زنان، مجادله با احمق بطوریکه تو حرفی بزنی و او هم حرفی بزند ولی حرف حق را قبول نکند و همنشینی با مردگان! پرسیدند: یا رسول الله! مردگان کیستند؟ فرمود: هر ثروتمندی که خدا را فراموش کرده باشد!» 433

«علی(ع): به مجالسی بروید که در آنجا ذکر خدا می‌شود.» 434

«سلمان فارسی می‌گوید: خدمت رسول خدا(ص) رفتم. حضرت بر بالش تکیه کرده بود. وقتی من وارد شدم، آن بالش را بمن داد و فرمود: ای سلمان! اگر مسلمانی نزد مسلمان دیگر رود و او به احترام تازه وارد، بالشی بر پشتش بگذارد، خدا او را بیامرزد.» 435

«امام ششم(ع): هدیه بدهید تا دوستی ایجاد گردد. زیرا هدیه کینه هارا می‌برد.» 437

«رسول خدا(ص): از علامت احترام گذاشتن به مسلمان آن است که هدیه او را قبول کند و یا به او هدیه دهد.» 438

خدمت به مسلمانان و روا کردن حوائج آنان

«رسول خدا(ص): هر که چیزهائی که در راه وجاده افتاده و باعث اذیت عابرین می‌شود را بردارد، برایش ثواب چهار صد آیه که برای هر آیه‌ای، ده حسنه داده میشود، نوشته می‌گردد.» 439

«امام ششم(ع): روزی امام سجاد(ع) به محلی می‌رفت، در راه سنگهایی را مشاهده نمود که در جاده افتاده بود. پیاده شد و آنها را با دست برداشت و کناری گذاشت.» 440

«رسول خدا(ص): هر مسلمانی باید روزانه صدقه بدهد! گفته شد: چه کسی طاقت عمل کردن به این دستور را دارد؟ فرمود: برداشتن اشیائی که باعث اذیت عابرین می‌شود، صدقه است. راهنمائی گمشدگان و کسانی که بدنبال چیزی می‌گردند، صدقه است. عیادت از مریض، امر بمعروف و نهی از منکر صدقه است. حتی 'جواب سلامی که می‌دهی صدقه است.» 441

«امام ششم(ع): کسیکه غیر از خانه خود، خانه دیگری که به آن نیاز ندارد، داشته باشد. در این حال، فرد مؤمنی درخواست استفاده از خانه مازاد او را بنماید. ولی صاحبخانه به او اعانت ننماید و جواب منفی بدهد، خداوند عزّ وجلّ می‌فرماید: ای فرشتگان! بنده من بخل ورزید! او خانه‌اش را به بنده نیازمند نداد. به عزّت سوگند! که او را در بهشت ساکن نگردانم.» 442

«امام ششم(ع): خداوند به کار نیکی پاداش می‌دهد که قبل از تقاضای شخص محتاج، انجام شود. ولی با اینکه می‌دانستی او نیازمند است ولی صبر کردی تا او نزد شما آمد و از تو کمک خواست و در این حال از شرم، خون به صورتش دوید، و شک داشت که تو به او کمک می‌کنی یا خیر! بخدا سوگند! و باز بخدا سوگند! اگر هرچه داری به او بدهی باز هم باندازه کافی به او کمک نکرده‌ای!» 443

«امام صادق(ع): ای مفضل! اگر می‌خواهی بدانی فلان شخص سادتمند است یا بدبخت! به کارهای نیک او نگاه کن و بین به چه کسانی کمک می‌کند؟ اگر به محتاجان و نیازمندان و متدینین کمک می‌کند، او بسوی خیر و سعادت پیش می‌رود و اگر به افراد بی‌نیاز و غیر دیندار کمک می‌نماید، بدان نزد خدا پاداشی ندارد.» 444

«علی(ع): کسیکه بتو گمان خوب دارد، و تو را از افراد نیکوکار می‌شناسد، تو هم سعی کن در عمل، گمان او را تأیید کنی!» 445

«امام ششم(ع): نیکوکاران در دنیا، نیکوکاران آخرت هستند! روز قیامت خدایه آنان گوید: گناهان شمارا آمرزیدم. می‌توانید ثواب کارهای نیکتان را به هر که می‌خواهید، بدهید.

وانجام دادن کار خیر و نیکوکاری بادل و زبان و دست، بر هر شخصی واجب است و هر که از دستش، کار خیر بر نمی‌آید، بازبان و دل، کار خیر انجام دهد و اگر با زبان هم نمی‌تواند، در دلش نیت خیر کند.» 446

«امام سجاد(ع): هر که حاجت مؤمنی را روا نماید، مثل اینست که حاجت خدا را روا کرده است! و بخاطر آن، خداوند صد حاجت از او را که راحت‌ترین آنها بهشت است، برای او روا می‌کند. و هر که غم مؤمنی را بر طرف کند، خداوند در قیامت، بالاترین غم او را بر طرف می‌نماید. و هر که مظلومی را علیه ظالمی کمک کند، خداوند او را بر پل صراط، در جائیکه قدمها بلغزد، یاری نماید. و هر که در کارهای مؤمنی تلاش کند بطوریکه او را خوشحال نماید، مثل آنست که رسول خدا(ص) را خوشحال نموده است. و هر که تشنه‌ای را سیراب کند، خداوند از رحیق مختوم (شراب بهشتی) او را سیراب نماید. و هر که گرسنه‌ای را سیر کند، خداوند به او از میوه‌های بهشتی بخوراند. و هر که عریانی را بپوشاند، داوند او را از استبرق و حریر بهشتی بپوشاند. و هر که بر غیر عریانی، لباس بپوشاند، تا زمانی که آن لباس بر تن اوست، در ضمانت الهی قرار گیرد. و هر که مؤمنی را بر مرکب (وسیله نقلیه) خود سوار کند، روز قیامت خداوند او را بر شتری از شتران بهشت سوار نماید، بطوریکه ملائکه به او مباحات نمایند. و هر که میت مؤمنی را کفن کند، مثل این است که از روز ولادت تا مرگش بر او لباس پوشانده باشد. و هر که زنی را برای مؤمنی تزویج کند و آن مؤمن با همسرش در صلح و آرامش باشد، خداوند در قبر او را با صورت محبوبترین خانواده‌اش مأنوس نماید. و هر که به عیادت مریضی بود، ملائکه برای او دعا می‌کنند تا از عیادت برگردد و به او می‌گویند: بهشت بر تو گوارا باد!

و بخدا سوگند! روا کردن حاجت مؤمن نزد من از دوماه روزه پشت سر هم، بصورت اعتکاف در ماههای حرام، محبوبتر است.» 447

«امام هفتم(ع): اگر شخصی نمی‌تواند با ما مرتبط باشد، بافقیران شیعه مرتبط باشد و هرک به زیارت قبور ما دسترسی ندارد، قبور برادران صالح ما را زیارت کند.» 448

«امام ششم(ع): کسیکه در حال حل کردن مشکل مؤمنی ست، ثوابش در نزد من از ثواب هفتاد طواف بالاتر است.» 449

«امام ششم(ع): اگر من در برطرف کردن مشکل برادر مسلمانی تلاش کنم، برایم بهتر است از آزاد کردن هزار غلام و یافرستادن هزار اسب برای مجاهدین فی سبیل الله!» 450

«رسول خدا(ص): شخصی را که بتو امید دارد، ناامید نکن که خدا با تو دشمن می‌شود.» 473

«امام ششم(ع): اگر مؤمنی، چیزی را که مؤمنی دیگر به آن نیاز دارد به او ندهد در حالیکه می‌توانسته نیاز او را برطرف کند، و یا از طریق دیگران مشکل او را حل نماید، خداوند در قیامت او را با صورتی سیاه، چشمانی برگشته، در حالیکه دستهایش را به گردنش زنجیر نموده‌اند، می‌آورند. و به او گفته می‌شود: این شخصی است که به خدا و رسول خیانت کرده است. آنوقت دستور داده می‌شود، او را به آتش بیاندازند.» 474

«امام ششم(ع): هر شیعه‌ای که وقتی برادر مسلمانش به او مراجعه می‌کند و از او در رفع مشکلی کمک بطلبد و او با اینکه می‌تواند کمکش کند ولی او را کمک ننماید، خداوند او را مبتلامی کند به اینکه حاجات دشمنان ما را برآورده کند که خداوند بسبب همین او را روز قیامت، عذاب می‌کند.» 475

«از رسول خدا(ص) سؤال شد: کدام عمل نزد خدا محبوبتر است؟ فرمود: خوشحال کردن مسلمانی را! سؤال شد: چگونه و به چه وسیله‌ای؟ فرمود: اگر گرسنه است سیرش کند! اگر غمگین است، غم او را برطرف نماید! و اگر مقروض است، قرضش ادا کند.» 477

«امام پنجم(ع): تبسم بر لب داشتن در هنگام دیدار با مؤمن، ثواب است و برداشتن خاشاک از روی صورتش ثواب است و بنده‌ای نزد خدا محبوبتر است که مؤمنی را خوشحال کند.» 478

«علی(ع): مؤمنینِ ضعیف را تحقیر نکنید که در اینصورت خدایین او و آن مؤمن را در بهشت جمع نمی‌کند(یا او بهشت می‌رود و یا تو) مگر اینکه توبه کند. و مؤمن نسبت به برادرش غش در معامله (کلاهبرداری) نمی‌کند! به او خیانت نمی‌نماید! او را خوار نمی‌نماید! او را متهم نمی‌کند و به او نمی‌گوید: من از تو بیزارم!» 479

«رسول خدا(ص): اگر دو مسلمان با هم قهر کنند و از سه روز بگذرد، از اسلام خارج شده‌اند. و هر کدام زودتر صلح کرد، روز قیامت زودتر بهشت می‌رود.» 480

«امام ششم(ع): اگر شخصی موانعی - عمداً - ایجاد کند که دیگران نتوانند به آسانی با او ملاقات نمایند، تامر گش در لعنت الهی خواهد بود.» 481

«امام حسین(ع): نیاز مردم بشما از نعمتهای الهی بر شماست! پس از نعمت الهی ملول نشوید.» 482

شرائط دوست

امام ششم(ع): دوستی با دیگران حدّ و شرائط دارد و هر که این شرائط در او باشد را می‌توان دوست نامید. این شرائط بشرح زیر است: ظاهر و باطن دوست یکی باشد، هر چه زینت تو حساب می‌آید، زینت او هم باشد و آنچه زشتی توست، زشتی او هم باشد، اگر به ثروت و یا قدرت رسید، رفتارش با تو تغییر نکند، آنچه از دستش بر می‌آید برای تو دریغ نکند. و در هنگام حوادث ناگوار، تو را رها ننماید.»

«امام ششم(ع): چهار چیز است که ضایع می‌شود: محبت به افراد بی‌وفا!، نیکی به کسیکه تشکر نمی‌کند!، آموختن علم به شخصی که گوش نمی‌کند! و گفتن راز به کسیکه آنرا افشای نمی‌کند!»

«حواریین به عیسی' گفتند: با چه کسی نشست و برخاست کنیم؟ فرمود: آنکه دیدنش، شمارا بیاد خدا می‌اندازد، سخنش، علم شمارا زیاد می‌نماید و عملش، رغبت شمارا به خیر، فراوان می‌نماید.»

«امام سجاد(ع): با چند کس رفیق نباش! 1- دروغگو که مثل سرابست و با دروغهای خود، تورا فریب می دهد و دور را برای تو نزدیک و نزدیک را برای تو، دور می کند. 2- فاسق که تورا به یک وعده غذا بلکه کمتر، می فروشد! 3- بخیل که تورا در هنگام سختی، رها می کند. 4- احمق که می خواهد بتو سود برساند ولی زیان می رساند.»

«رسول خدا(ص): کسیکه پولداری را بخاطر دنیا احترام کند، خدا بر او غضب کرده و او را در درجه قارون قرار می دهد.» 509

همسایه

رسول خدا(ص): کسیکه یک وجب از زمین همسایه را غضب کند یا با کلاهبرداری، برای خود کند، همان مقدار تا هفت طبقه زمین در روز قیامت، برگردنش طوق می شود تا او را داخل جهنم نمایند.» 510

«کسیکه به خانه همسایه از محلی نگاه کند و چشمش به عورت مرد یا مو و عضو زنی بیافتد، برخداست که او را به جهنم داخل کند و نمی میرد تا اینکه خدا او را رسوا می کند و آبرویش نزد مردم برود.» 511

«رسول خدا(ص): کسیکه به غیر حق، همسایه اش را اذیت کند، خداوند سکونت در بهشت و بوی آنرا بر وی حرام نماید.» 512

قرض

رسول خدا(ص): کسیکه به برادر مسلمانش قرض بدهد، برای هر درهمی، ثواب وزن کوهی از کوههای رضوی (در حجاز) یا کوه سینا (در مصر) به او می دهد و اگر در طلبش با او مدارا کند، از پل صراط مانند برق لامع بدون حساب و عذاب، می گذرد.»

«رسول خدا(ص): کسیکه برادر مسلمانش برای گرفتن قرض به او مراجعه کند ولی او قرض ندهد، خداوند بهشت را بر او حرام کند.»

«رسول خدا(ص): کسیکه به مؤمنی قرض بدهد و بر او سخت نگیرد، مثل این است که زکات داده است و تا ادای دین بدهکار، ملائکه بر او درود می فرستند.»

«امام ششم(ع): سارقین سه دسته اند: کسانی که زکات نمی دهند. کسانی که مهر زنان شان را نمی دهند و کسانی که قرض می گیرند ولی قصد اداء آنرا ندارند.»

«امام پنجم(ع): اولین قطره خون شهید که می ریزد، تمام گناهانش آمرزیده می شود بجز قرضی که بر گردن داشته است که تا آنرا بازماندگانش ادا نکنند، از او نمی گذرند.»

اسراف و تبذیر

«علی(ع): آگاه باشید که بخشیدن مال در غیر حق آن، تبذیر و اسراف است.»

«امام ششم(ع): برای آدم اسرافکار سه علامت است: آنچه که در شأن او نیست، می خرد! آنچه را که در شأن او نیست می پوشد و آنچه را که در شأن او نیست می خورد.»

منابع:

—389 تا 407 بحار ج 407 تا 418 مکارم الاخلاق —419 تا 434 حلیه المتقین —435 تا 436 طب
الصادق والرضا(ع) —437 تا 944 بحار ج 74 و 75 —451 و 452 بحار ج 89 —460 تا 472 —473 تا 489 بحار ج 74 و 75
—490 تا 492 مکارم الاخلاق —493 تا 512 میزان الحکمة —513 اثنی عشریة —514 بحار ج 22 ص 124.»

4-1) پیشگیری از خصومت افراد

پیشوایان معصوم ما در برخورد با مردم بسیار عطف و مهربان بودند، به گونه‌ای که هر وقت نیاز به کمکی داشتند، دریغ نمی‌کردند. در چنین مواردی، اقدام ائمه^(ع) از این قبیل است: غیاث بن ابراهیم نقل می‌کند: «امام صادق^(ع) هرگاه بر جماعتی می‌گذشت که با یکدیگر دشمنی می‌ورزیدند و مخاصمه می‌کردند، به آنها اجازهٔ چنین کاری را نمی‌داد و آنها را از ادامهٔ دعوا بازمی‌داشت و سه بار با صدای بلند می‌فرمود: پروا کنید خدا را!» (کلینی، 1407ق، ج 5: 61). ابی اسامه از امام صادق^(ع) نقل می‌کند که علی بن ابی‌طالب^(ع) از حاصل دسترنج خود هزار بنده را خرید و آزاد کرد (همان، ج 5: 74).

4-2) همدردی با دیگران

حضرت زهرا^(س) با دیگران، به‌ویژه همسایگان مثلاً در عزاداری‌های آنها شرکت می‌کرد و همدردی خود را با صاحب عزا ابراز می‌نمود (ر.ک؛ مجلسی، 1403ق، ج 57: 316). پیغمبر اکرم^(ص) نیز هر کس را که برای حاجتی نزد وی می‌آمد، اگر چیزی نداشت که به او بدهد، با او همدردی می‌کرد و وی را دلداری می‌داد تا اینکه او منصرف شود (ر.ک؛ ابن شهر آشوب، 1379، ج 1: 147).

4-3) مدارا حتی با ناصبی

شخصی از امام جواد^(ع) پرسید: پدرم عقیدهٔ نادرستی دارد و ناصبی است و سختی‌هایی از او دیده‌ام. نظر شما چیست؟ فدایت شوم! برای من دعا کنید. آیا آبرویش را ببرم یا با وی مدارا کنم؟ حضرت فرمودند: مدارا بهتر از رسواسازی او است.

4-4) تکریم و احترام مؤمن

احترام به شخصیت ایمانی و انسانی فرد برای این است که وی از عمل بد خود دست بردارد. احمد بن اسحاق - یکی از شیعیان امام حسن عسکری^(ع) - به دیدار وی در سامرا رفت. حضرت به ایشان اجازهٔ ورود ندادند. علت را که جویا شدند، فهمیدند که در حق یکی از مؤمنان چون شرابخوار بود، رفتار بدی داشتند. حضرت به احمد بن اسحاق فرمود: با آن فرد خوشرفتاری می‌کردی! شاید که از عمل زشت

خود برگردد. وقتی احمد بن اسحاق به زادگاه خود برگشت، آن فرد را تکریم کرد و وقتی علّت را پرسید، گفت: امام حسن عسکری^(ع) چنین فرمودند. آن فرد هم خجالت کشید و از شرابخواری دست برداشت و از صالحان شد (ر.ک؛ مجلسی، 1403ق، ج 50: 323). پیامبر اکرم^(ص) نیز مؤمن را همیشه احترام می‌کردند، به‌ویژه وقتی کسی بر وی وارد می‌شد و مهمان حضرت بود، چه بسا که عبایش را زیر پای مهمان می‌انداختند (ر.ک؛ ابن شهر آشوب، 1379، ج 1: 147).

4-5) عفو، گذشت و انتقام نگرفتن

حضرت رسول^(ص) هرگز از کسی برای خود انتقام نمی‌گرفت، بلکه می‌بخشید و گذشت می‌فرمود (ر.ک؛ طباطبائی، 1378: 51)، مگر اینکه حرمت خدا از بین می‌رفت (ر.ک؛ بیهقی، 1405ق، ج 1: 310). امام صادق^(ع) می‌فرماید: «سه چیز از خوبی‌های دنیا و آخرت است که یکی از آنها گذشت از کسی است که به تو ظلم کرده است»⁵ (کلینی، 1407، ج 2: 107).

4-6) تواضع همراه با قاطعیّت

تواضع نسبت به طرف مقابل در مناظره، شیوه ائمه^(ع) بوده است. و ما هیچ مناظره‌ای را نمی‌یابیم که آنان نسبت به این امر بی‌توجه باشند، بلکه در هر مناظره، بحث و گفتگو نسبت به مخاطبین تواضع داشته‌اند و با متانت تمام، سخنان طرف مقابل را می‌شنیدند، ولی حضرت در مقام پاسخ، در عین فروتنی با قاطعیّت جواب می‌دادند تا شبهه‌ای برای مخاطبان باقی نماند. در مناظره با جاثلیق، وقتی حضرت از جاثلیق اعتراف گرفتند که حضرت عیسی^(ع) به آمدن پیامبر اسلام^(ص) بشارت داده است، رو به رأس‌الجالوت - عالم یهودی - کرد و فرمود: ای رأس‌الجالوت! سفر فلانی از *تورات* را گوش کن از زبور داوود. رأس‌الجالوت گفت: خدا بر تو و خاندان تو مبارک گرداند، بخوان! پس حضرت سفر اوّل از زبور داوود را تلاوت فرمود تا اینکه به نام‌های محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین رسید و فرمود: من از تو سؤال می‌کنم ای رأس‌الجالوت! به حقّ خدا بگو و گواهی بده که آیا در زبور داود هست؟ و نترس! من همان امان و عهد ذمه که نسبت به جاثلیق دادم، به تو هم دادم. در این هنگام رأس‌الجالوت گفت: بله. عین این در زبور هست. در این هنگام حضرت فرمودند: به حقّ آیات ده‌گانه‌ای که خداوند بر موسی نازل کرده است، آیا صفت محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین را در حالی که عدل و فضل را به آنان نسبت داده است، در *تورات* می‌یابی؟ رأس‌الجالوت پاسخ داد: بله، این گونه است و هر کسی این

مطلب را انکار کند، به پروردگار خویش و پیامبران او کافر گشته است (ر.ک؛ مجلسی، 1403ق، ج 49: 77).

5- در حیطة عملکردها

شیوة مواجهه ائمه^(ع) در حیطة عملکردها به این صورت بوده است که رفتارهایی را نسبت به دیگران انجام می‌دادند که دوست داشتند با خودشان انجام شود و مردم را هم به این نوع عملکرد توصیه می‌کردند؛ مانند اینکه امیر مؤمنان، علی^(ع) در وصیت به فرزند گرامی خویش، امام حسن^(ع) می‌فرماید: آنچه برای خود می‌پسندی، برای دیگران هم پسند و آنچه که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران هم مپسند⁶ (ر.ک؛ رضی، 1414ق: 397). بهترین و نیکوترین الگو در این زمینه، رسول خدا^(ص) و ائمه معصومین^(ع) هستند⁷ (ر.ک؛ الأحزاب / 21). بی‌شک این بزرگواران در همه زمینه‌ها بهترین الگو هستند، لذا در اینجا به گوشه‌ای از برخوردشان با دیگران بیان می‌گردد.

5-1 قبول عذر و هدیه

پیامبر اکرم^(ص) هدیه را گرچه جرعه‌ای از شیر باشد، قبول می‌کند (ر.ک؛ ابن شهر آشوب، 1379، ج 1: 146) و نیز کسی که از او عذرخواهی کند، می‌پذیرد (ر.ک؛ ابن شهر آشوب، 1379، ج 1: 146). امام علی^(ع) نیز می‌فرماید: «عذر برادرت را بپذیر، حتی اگر عذری نداشت، کار او را به نحوی توجیه کن»⁸ (ابن شعبه حرّانی، 1404ق: 112). افزون بر این، پیامبر اکرم^(ص) با اصحاب خود مشورت می‌فرمود (ر.ک؛ عاملی، 1403ق، ج 1: 222) و از میان نظرها، بهترین آنها را برمی‌گزید (ر.ک؛ بیهقی، 1405ق، ج 1: 310).

5-2 رازداری

امام علی^(ع) در وصیت به امام حسن^(ع) می‌فرماید: «فرزندم! به کسی که به تو اطمینان کرده است، خیانت مکن و اگر او به تو خیانت کرد، رازش را فاش مکن»⁹ (ابن شعبه حرّانی، 1404ق: 81).

5-3 ملاقات کردن با دیگران

رسول خدا^(ص) اگر یکی از برادران دینی خود را در خلال سه روز نمی‌دید، سراغ وی را می‌گرفت و اگر غائب بود، برای او دعا می‌فرمود و اگر حضور داشته باشد، به دیدن وی می‌رود و اگر مریض باشد، به عیادت وی می‌رفت (ر.ک؛ فیروزآبادی، 1392، ج 1: 126). حتی اگر دورترین نقطه شهر باشد (ر.ک؛

ابن شهر آشوب، 1379، ج 1: 146) و همواره با اصحاب مزاح می کردند و با آنها گفتگو می کرد (ابن سید، 1414 ق.، ج 2: 400). امام علی^(ع) می فرماید: «هر کس برادر دینی خود را در خانه وی ملاقات کند، بدون اینکه با او کاری داشته باشد، در گروه زیارت کنندگان خداوند نوشته می شود و بر خداست که زیارت کننده خویش را تکریم کند»¹⁰ (حرّ عاملی، 1409 ق.، ج 17: 210). امام هادی^(ع) به عیادت بیماری از اصحاب رفتند و دیدند که آن مریض برای مرگ جزع و فزع می کند. حضرت سعی کردند که وی را دلداری دهد و به او فرمود: از مرگ می ترسی، چون آن را نمی شناسی، مگر وقتی که آلوده و کثیف می شوی، به حمّام نمی روی؟ آن مریض گفت: بله، یا ابن رسول الله. سپس امام فرمودند: مرگ همان حمّام است که تو را از آلودگی گناهانت پاک می گرداند (ر.ک؛ ابن بابویه، 1403 ق.، ج 2: 290).

4-5) بخشش مالی و سبقت در کمک به دیگران

پیامبر اکرم^(ص) هیچ یک از اصحاب و یا خانواده وی را نخواند، مگر خواندن وی را لَیّک گفت (ر.ک؛ ابن سید، 1414 ق.، ج 2: 400). روایت شده است که سعد بن عبدالله به مقداری پول نیازمند شد و خجالت کشید که به امام حسن عسکری^(ع) بگوید، ولی وقتی که به خانه برگشت، امام^(ع) صد دینار برای او فرستاد و فرمود: اگر خواسته ای داشتی، بگو و خجالت نکش و ان شاء الله هر چه که دوست داری، برای تو پیش می آید (ر.ک؛ مسعودی، 1426 ق.، ج 2: 250). لیث بن طاووس می گوید: «مهدی بخشنده مال و با مسکینان مهربان و با کارگزاران سختگیر است»¹¹ (طبری، 1383 ق.، ج 2: 207).

5-5) رعایت ادب و قطع نکردن سخن دیگران

پیغمبر اکرم^(ص) هیچ وقت پای مبارک خویش را جلوی کسی که در نزد وی نشسته بود، دراز نمی کرد و اصحاب خویش را به بهترین نام صدا می فرمود... و حرف هیچ کس را قطع نمی کرد (ر.ک؛ ابن سید، 1414 ق.، ج 2: 400).

6-5) ابتدا به سلام و مصافحه

حضرت رسول^(ص) هر کس را می دید، ابتدا خود سلام می کرد... و مصافحه می فرمود (ر.ک؛ ابن شهر آشوب، 1379، ج 1: 147). جوان الخادم قراطیسی یکی از اصحاب امام جواد^(ع) - نقل می کند: «به حضور آن حضرت رسیدم. دیدم ایشان بر دگانی ایستاده اند که فرش در آن نیست. غلامی فرش برای ایشان آورد. حضرت روی آن نشستند. من متأثر از هیبت و ابّته ایشان قرار گرفتم و برای ورود به

دگان خواستم که از همان جایی که ایشان نشسته بودند، بدون پله وارد شوم که ایشان مرا به محلّ پله راهنمایی کردند. من بالا رفتم و سلام گفتم و آن حضرت سلام مرا پاسخ فرمود و برای سلام کردن دستش را به سویم دراز کرد. دست ایشان را گرفتم و بوسیدم و به روی صورت خود گذاردم. با دست مرا نشاند و من از شگفتی و متأثر از اُبّهت ایشان، دست آن حضرت را لمس کردم. ایشان نیز دست خود را در دستم گذارد. وقتی آرام گرفتم، آن را رها کردم و به اطلاع آن حضرت رساندم که ریان بن شیب از شما برای خود و فرزندش التماس دعا دارد. آن امام نیز برای وی دعا کرد» (هاشم الحسینی، 1382، ج 3: 441).

5-7) خوش‌زبانی و نهی از بدگویی

رسول خدا^(ص) هیچ گاه بدزبانی نمی‌کرد، نه سبّ و لعن می‌کرد و نه دشنام می‌داد (ر.ک؛ بیهقی، 1405ق، ج 1: 314). امام باقر^(ع) می‌فرماید: «فردی یهودی بر رسول خدا^(ص) وارد شد و عائشه نیز در کنار ایشان بود. یهودی گفت: «السَّامُ عَلَیْکُمْ» [یعنی مرگ بر شما]. حضرت رسول^(ص) فرمود: «عَلِیک»، سپس دیگری وارد شد و همین را گفت. حضرت همان جواب را دادند. سومی هم وارد شد و همین گونه جواب دادند. عائشه عصبانی شد و گفت: مرگ، غضب و لعنت بر شما، ای قوم یهود!... حضرت به عائشه فرمودند: اگر دشنام برای همانندی کردن باشد، همانند بدی است. عائشه گفت: ای رسول خدا! مگر نشنیدی که آنها چه گفتند. حضرت فرمودند: بلی. مگر نشنیدی که من چه پاسخی دادم. هرگاه مسلمانی به شما سلام کرد، بگویید: «السَّلَامُ عَلَیْکُمْ» و اگر کافری به شما سلام کرد، بگویید: «عَلِیک» (کلینی، 1407ق، ج 2: 648).

5-8) گوش سپردن به سخنان مخاطب

رسول اکرم^(ص) در لزوم داشتن چنین مهارتی برای حفظ روابط بین فردی می‌فرماید: «از جوانمردی است که اگر برادرت سخن گفت، به سخنش گوش بسپاری»¹² (پاینده، 1382: 777). امام صادق^(ع) نیز خوب گوش نکردن را خیانت می‌داند¹³ (ر.ک؛ مجلسی، 1403ق، ج 72: 104).

5-9) دعا و خیرخواهی برای دیگران

امام موسی کاظم^(ع) می‌فرماید: «هرکس برای برادرش در هنگامی که او حاضر نباشد، دعا کند، از عرش به وی ندا داده می‌شود که صدهزار برابر آن دعا برای تو قرار داده شد»¹⁴ (کلینی، 1407ق، ج 2:

508). حضرت فاطمه^(س) همیشه به هنگام راز و نیاز با خدا برای همسایه‌ها و دیگران دعا می‌فرمود و هنگامی که فرزندش سؤال می‌کند که در دعا برای خودمان اولویت نمی‌دهی؟ پاسخ می‌دهد: اوّل همسایه و دیگران سپس خودمان» (ابن بابویه، 1385، ج 1: 181).

5-10) تحمّل مخالفان

سیره ائمه^(ع) در برخورد با مخالفان و شورشی‌ها بدین گونه است که یا آنها را تحمّل می‌کردند و از آنها دوری می‌کردند¹⁵ (ر.ک؛ المزمّل/10)؛ مانند برخورد امام علی^(ع) با خوارج که حضرت حتّی حقوق آنان را از بیت‌المال قطع نکرد. نقل شده که امام علی^(ع) - خلیفه مسلمانان - در مسجد مشغول نماز جماعت بود. شورشگران به مسجد می‌آمدند و در گوشه دیگری اقامه جماعت می‌کردند و مدّعی بودند که علی کافر و مشرک است و علی^(ع) سکوت اختیار کرده بود و رفتارهای نابخردانه آنها را تحمّل می‌کرد (ر.ک؛ مطهری، بی‌تا، ج 16: 603) و یا در صورت به خطر افتادن منافع اسلام با آنها مقابله می‌نمود، آن هم بدین صورت که ابتدا به ارشاد و هدایت آنها می‌پرداخت، سپس در صورت نپذیرفتن طرف مقابل، اقدام به جنگ می‌کرد. شورشگران به بیرون شهر آمدند و برای خود پایگاه زدند و نیرو مستقر کردند و به سازماندهی نظامی پرداختند و گروه‌هایی برای غارت و تجاوز به اطراف فرستادند. در این مرحله بود که علی بن ابی‌طالب^(ع) در برابر آنها اردو زد و به ارشاد و هدایت پرداخت. پرچمی را در جایی نصب کرد و آن را محلّ امان افرادی قرار داد که در پناه پرچم جمع شوند. حدود هشت هزار نفر آنها پشیمان شدند و چهار هزار نفر همچنان پایبند مرامنامه گروهی خود باقی ماندند. تمام آنها کشته شدند، مگر ده نفر که باقی ماند و بعد از آن این روش ادامه نیافت» (مطهری، بی‌تا، ج 16: 605).

برخورد امام سجّاد^(ع) نیز با مخالفان خود مثال‌زدنی است: «روزی امام سجّاد^(ع) همین که از مسجد پا بیرون گذاشت، مردی جلو آمد و با دیدن امام^(ع) به دشنام و ناسزا پرداخت. اطرافیان آن حضرت^(ع) خواستند تا وی را ادب کنند. امام^(ع) اطرافیان را از واکنش تند نسبت به وی بازداشت. خود سراغ آن مرد رفت و فرمود: آنچه تو نسبت به امور ما آگاهی، چه بسیار بیشتر از آن هست و بر تو پوشیده مانده است؛ خیلی بیشتر از آنچه تو دانستی و بر زبان آوردی! آیا تو را نیازی هست تا در برطرف کردنش کمکت کنم؟ آن مرد از این رفتار پسندیده در برابر آن رفتار نکوهیده به شدّت شرمگین شد. امام^(ع) پارچه‌ای که بر دوش داشت، به وی داد و دستور فرمود تا هزار درهم به او بدهند.

از آن لحظه به بعد، هرگاه که آن مرد امام سجّاد^(ع) را می‌دید، می‌گفت: شهادت می‌دهم که تو از اولاد رسول خدایی» (شوشتری، 1409ق، ج 12: 71).

حضرت علی^(ع) حتّی در برخورد با اسیران نیز با آنها مدارا می‌کردند و جانب انصاف را رعایت می‌کردند. اهالی بصره به امام علی و فرزندانش^(ع) حمله کردند و دشنام دادند. بر آن حضرت^(ع) لعن فرستادند. حتّی در حمله به ایشان، او را زخمی کردند، امّا امام همین که بر آنها غلبه یافت، در بین لشکریان فریاد برآورد که حقّ صدمه زدن به زخمی‌های آنها را ندارید. اسرای آنان را نباید بکشید و هر کس که سلاح خود را بر زمین گذاشت یا به لشکر ما پیوست، در امان خواهد بود. دیگر حق تجاوز به اموال آنها را ندارید، حق گرفتن فرزندان آنها را ندارید، حق غنیمت گرفتن اموال آنها را ندارید (ر.ک؛ ابن اَبی‌الحدید، 1404ق، ج 1: 23). برخورد حضرت علی^(ع) با عمرو در جنگ خندق نیز مثال‌زدنی است، به گونه‌ای که حضرت با اینکه می‌توانست دشمن را خلع سلاح کند، ولی این کار را نکرد (ر.ک؛ طبرسی، 1417ق، ج 1: 381 و مفید، 1413ق، ب، ج 1: 104).

11-5) امر به معروف و نهی از منکر

آیین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین الهی، ضمن اینکه از مسؤلیّت افراد نسبت به هم، افراد نسبت به حکومت و حکومت نسبت به افراد سخن می‌گوید و راهکاری را به نام امر به معروف و نهی از منکر پیش‌بینی کرده است. امام باقر^(ع) می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر راه انبیا و و روش صالحان است»¹⁶ (حرّ عاملی، 1409ق، ج 16: 119). خداوند متعال اساس دعوت دعوت‌کنندگان الهی را بر همین اصل نهاده است. قرآن می‌فرماید: «و پند ده که مؤمنان را پند سود بخشد»¹⁷ (الذّاریّات / 55). روش امر به معروف و نهی از منکر در جلوگیری از گمراهی انسان نقش اساسی دارد و هنگامی اعمال می‌شود که روش ارشاد و راهنمایی مؤثر واقع نشود. امّا در به‌کارگیری این روش باید شرایط و نکاتی مورد توجّه قرار گیرد؛ زیرا به کار بردن این روش باعث ایجاد و استحکام نظام ارزش‌ها در فرد و جامعه می‌شود.¹

آداب مجالست با هم نشینان و رعایت حقوق آنان

در روایات و احادیث بسیاری که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به دست ما رسیده است بر توجه و رعایت حقوق هم نشینان بسیار تاکید شده است. حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) از جدایی افکندن میان دو نفر که در مجلسی کنار هم نشسته اند، بدون اجازه آن دو بر حذر داشتند. ایشان هم چنین از بلند کردن دیگران از جایگاه شان و نشستن در جای آنان منع کردند؛ اما به حاضرین در مجلس هم سفارش می فرمودند: که «برای نشستن تازه وارد جا باز کنید می فرمودند: «هر گاه افراد مجلسی در جای خود نشستند (و کسی وارد شد)، اگر در آن میان، فردی، برادر تازه وارد خود را فرا خواند و برای او در کنار خود، جا باز کند، (این تازه وارد) باید دعوتش را بپذیرد و پهلوی او برود؛ زیرا وی با این کار، به او احترام گذاشته است. ولی اگر کسی برایش جایی باز نکرد، نگاه کند تا هر کجا جا بود، همان جا».

بنشینند

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تکلف ورزیدن و برخاستن در پیش پای برادران دینی را روا نمی شمردند و می فرمودند: «آن سان که ایرانیان برای بزرگ داشت یکدیگر در جلوی پای هم برمی خیزند برنخیزید.» ایشان جایگاه کسی را که دوست بدارد و خشنود شود که دیگران به احترام او در پیش پای وی برخیزند، را آتش دانستند

قال الصادق عليه السلام: كان رسول الله صلى الله عليه وآله أكثر ما يجلسُ تجاه القبلة، حديث

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله بیشتر اوقات، رو به طرف قبله می نشست.

قال الصادق عليه السلام: كان رسول الله صلى الله عليه وآله يحمد الله في كل يوم ثلاثاً مائة وستين مرة. حديث

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر روز سیصد و شصت بار خدا را حمد می کرد

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله إِذَا مَشَى، مَشَى مَشْيًا يُعْرَفُ أَنَّهُ لَيْسَ بِمَشْيٍ عَاجِزٍ لَا بَكْسَلَانَ. حَدِيث

ابن عباس نقل کرده است: پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام راه رفتن، چنان با نشاط راه می رفت که معلوم می شد راه رفتن انسان ناتوان و خسته نیست. بحار الانوار، ج 16، ص 236

ذکر و یاد خدا در مجالس

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) یاد نکردن از خداوند و نیز صلوات نفرستادن بر پیامبر و آلش را مایه وزر و وبال دانستند و فرمودند: «ما من قوم اجتمعوا فی مجلس فلم یذكروا اسم الله - عزّ و جلّ - و «لم یصلّوا علی نبیّهم الاّ کان ذلک المجلس حسرّة و وبالاً علیهم

ایشان کمال هر مجلسی را ذکر خداوند و نیز صلوات بر پیامبر و آلش برشمردند و فرمودند: «اگر گروهی در مجلسی بنشینند (و برخیزند) و خداوند متعال را در آن مجلس یاد نکنند و بر پیامبرش درود نفرستند، در کارشان نقصان خواهد بود که اگر خداوند بخواهد آنان را عذاب می کند و اگر بخواهد «می آمرزد

حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) مجلسی را که بدون یاد خدا به پایان آورده شود را حضور در بالای نعلین دراز گوش دانستند و آن را مایه دریغ و افسوس اهل آن مجلس برشمردند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به اصحاب و یاران خود نیز توصیه می فرمود فقیران را دوست بدارند و با آنان هم نشین شوند

از سلمان فارسی روایت شده که می گفت: «اوصانی خلیلی رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) بسبع لا ادعهنّ علی کلّ حال: ان انظر الی من هو دونی و لا انظر الی من هو فوقی، و ان احبّ الفقراء و ادنو منهم... ؛ حبیبم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مرا به هفت خصلت سفارش فرمود و این که در هیچ حالی

آنها را ترک نکنم: این که به پایین تر از خود بنگرم و به آن که برتر از من است ننگرم و این که
«.....مستمندان را دوست بدارم و به آنان نزدیک شوم

هم نشینی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با فقرا تا اندازه های بود که عده ای از سران و اشراف قریش
نزد حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده خواستار طرد مستضعفان و فقرا از کنار رسول خدا
(صلی الله علیه و آله و سلم) شدند آنان شرط ایمان خود را دور کردن «پشمینه پوشان بدبوی و کثیف» از
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عنوان کردند

اما خداوند رسول خود را مورد خطاب قرار داده، فرمود: «و اصبر نفسک مع الذین یدعون ربهم بالغداة
والعشی یریدون وجهه ولا تعد عیناک عنهم ترید زینة الحیاء الدنیا و لا تطع من اغفلنا قلبه عن ذکرنا و
اتبع هواه و کان امره فرطاً؛ با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می خوانند، و تنها رضای او
را می طلبند و هرگز بخاطر زیورهای دنیا، چشمان خود را از آنها بر مگیر و از کسانی که قلبشان را از
«یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن همان ها که از هوای نفس پیروی کردند و کارهایشان افراطی است

هم چنین فرمود

و لَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاوَةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَ مَا مِنْ
حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ؛ و کسانی را که خدا را می خوانند، و جز ذات پاک
او نظری ندارند، از خود دور مکن نه چیزی از حساب آنها بر توست، و نه چیزی از حساب تو بر آنها
«اگر آنها را طرد کنی، از ستمگران خواهی بود

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، پس از نزول این آیه به پا خاست و در جستجوی مستضعفان و بینوایان
شتافت. آنان را در انتهای مسجد دید که به ذکر الهی مشغولند. رو به آنان کرد و فرمود: «الحمد لله الذی
لم یمتنی حتی امرنی ان اصبر نفسی مع رجال من امتی، معکم المحیا و معکم الممات؛ خدای را سپاس که
زندگیم را به پایان نرساند تا دستور داد که من در کنار گروهی از امتم با آنها باشم؛ من در زندگی و
مرگ با شما هستم

از عبدالله بن عمر نیز نقل شده که می گفت: «کم اتّفاق می افتاد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) از مجلسی بر خیزد و این دعای را بر زبان جاری نسازد: اللَّهُمَّ اقسم لنا من خشيتك ما تحول به بيننا و بين معصيتك، و من طاعتك ما تبّلّغنا به جنّتك، و من اليقين ما تهوّن به علينا مصائب الدّنيا. اللَّهُمَّ متّعنا بآسماعنا، و ابصارنا، و قوّتنا ما احييتنا، و اجعله الوارث منّا، و اجعل ثارنا على من ظلمنا، و انصرنا على من عادانا، و لا تجعل مصيبتنا في ديننا، و لا تجعل الدّنيا اكبر همّنا و لا مبلغ علمنا، و لا تسلّط علينا من لا يرحمنا؛ خداوند، از خشیت خود به اندازه ای به ما ببخش که آن را بین ما و سرپیچی از فرمان خود حایل گردانی، و مقداری از طاعت خود به ما ارزانی دار که با آن ما را به بهشت خود برسانی و یقینی به ما بده که با آن سختیهای دنیا را بر ما آسان گردانی. خداوند ما را از شنوایی و بینایی و توانمان که به آن ها زنده مان داشته ای، بهره مند گردان و آن را برای ما پایدار بدار و انتقام ما را از کسانی که به ما ستم کرده اند، بگیر، و ما را بر کسانی که با ما دشمنی ورزیده اند، پیروز گردان. مصیبت ما را در دین ما قرار مده و دنیا را بزرگترین اندیشه و منتهای علم ما قرار مده، و کسانی را که به ما رحم نمی کنند بر ما چیره» مگردان

در روایتی دیگر آمده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) هر گاه، در مجلسی می نشستند می فرمودند: «ان تکلم بخیر کان طابعاً علیهن الی یوم القیامه و ان تکلم بشرّ کان کفارهً له، سبحانک اللهم و بحمدک اشهد ان لا اله الا الله انت استغفرک و اتوب الیک؛ اگر در این مجلس به خیر و نیکی سخن گفته شد این عمل را خوبی آن قرارده تا روز قیامت و اگر به بدی سخن گفته شد کفاره گناهانش را این ذکر قرار ده.» سبحانک اللهم و بحمدک اشهد ان لا اله الا الله انت استغفرک و اتوب الیک

:و چون اراده می فرمودند که برخیزند، می فرمودند

«سبحانک اللهم و بحمدک اشهد ان لا اله الا الله انت استغفرک و اتوب الیک»

حضرت (صلی الله علیه و آله و سلّم) حسن ختام مجالس خود را نیز به دعا و استغفار اختصاص می دادند و می فرمودند: «کفّاره نشستن، این است که بگویی: سبحانک اللهم و بحمدک لا اله الا انت. ربّ تُبّ علیّ و اغفر لی؛ خدایا! منزهی تو و ستایش، از آن توست! خدایی جز تو نیست. پروردگار من! مرا ببخش و» بیامرز

بنا به فرموده پیامبر رحمت، حضرت محمد صلی الله علیه و آله : «ذِكْرُ اللَّهِ مَا يَتَيْنَ طُلُوعَ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ أَبْلَغُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِي الْأَرْضِ؛ ذکر خداوند در کسب روزی از هنگام طلوع فجر تا طلوع خورشید، از سفر تجاری مؤثرتر است

از امام حسین (علیه السلام) روایت شده که فرمودند: از پدرم -علی (علیه السلام) - درباره چگونگی مجالست رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسیدم، فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هیچ گاه بدون ذکر نام خدا نه در جائی می نشست و نه از جائی بر می خاست، در مجالس جایگاه معینی نداشت و از این کار منع می فرمود، چون به گروهی می رسید همانجا که رسیده بود - پایین مجلس - می نشست و به این کار دیگران را هم دستور فرموده بود، در مجالس رعایت حال همه را می کرد و حق همگان را ملحوظ می داشت، هرگز طوری رفتار نمی کرد که کسی تصور کند دیگری بر او مقدم است، هر کس برای بیان حاجتی پیش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می آمد، تا هنگامی که نمی رفت حوصله و شکیبائی می فرمود، تلاش می فرمود حوائج و خواسته های مشروع را بر آورد و اگر نمی توانست با گفتاری کوتاه و پسندیده معذرت خواهی می کرد، اخلاق خوش و گشاده رویی او چنان بود که همه اصحاب او را چون پدر خویش می دانستند، همه اصحاب در برابر حق در نظر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) یکسان بودند، مجلس او سرا پا حکمت و بردباری و صبر و شکیبائی بود، صداها در حضورش بلند نمی شد و هیچ کس مطلبی را رد یا تصدیق نمی کرد، هیچ گاه در سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) زلت و لغزشی دیده نشد، برتری اصحاب حتی در مجلس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هم فقط به تقوای ایشان بستگی داشت، همه در محضر او فروتن بودند، سالخورده گان را محترم می داشتند و به خردسالان مهر می ورزیدند، و نسبت به نیازمندان ایثار می کردند و در حفظ یک دیگر کوشا بودند

گفتم: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با هم نشینان خود چگونه بود؟ گفت:

همیشه خنده رو، خوش خلق و ملایم بود نه ترش رو و سخت گیر، هیچ گاه فریاد نمی زد و دشنام نمی داد، عیب کسی را آشکار نمی ساخت و بیهوده از کسی ستایش نمی فرمود، از آن چه که به آن میل نداشت یاد نمی کرد، هرگز تاسف و اندوهی برای امور عادی اظهار نمی فرمود، از سه چیز بشدت پرهیز

می فرمود، کبر و پر حرفی و کارهای بی معنی، سه چیز را در حق مردم بسیار رعایت می فرمود، هیچ کس را سرزنش نمی کرد و بر کسی خرده نمی گرفت و در جستجوی معایب کسی نبود، فقط در مواردی که امید ثواب و اجر بود تذکر می داد و صحبت می کرد. و چون پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) صحبت می کرد هم نشینان او چنان سکوت می کردند که گوئی مرغ بر سر ایشان نشسته است، چون سکوت می فرمود: اصحاب صحبت می داشتند و هرگز در حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ستیزه و نزاع در بحث نداشتند، اگر اصحاب می خندیدند او نیز تبسم می فرمود و اگر از چیزی تعجب می کردند او هم اظهار تعجب می کرد، افراد غریب و بیگانه را خوب تحمل می کرد و سخن ایشان را به تمام می شنید و به خواسته های آن ها گوش فرا می داد. گاهی اصحاب آن اشخاص را متوجه طول گفتارشان می کردند، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به اصحاب می گفت هر گاه نیازمندی را می بینید نیاز او را بر آورید، هرگز از کسی ستایش نمی خواست، مگر این که کار نیک را با نیک جبران کنند، سخن هیچ کس را بدون ضرورت قطع نمی کرد و در آن صورت معمولاً بر می خاست و یا او را از سخن گفتن نهی می فرمود ..

بنابر نقل طبرسی، روزی رسول خدا به تنهایی در مسجد نشسته بود. شخصی به حضور حضرت رسید. حضرت تکانی خورد و جایی برای او باز نمود. آن شخص عرض کرد: یا رسول الله! مکان وسیع و جا زیاد است. در حقیقت، می خواست علت جابه جاشدن حضرت را بداند؛ زیرا لزومی در این کار نمی دید. حضرت فرمود: حق برادر مسلمان بر برادرش این است که وقتی می بیند او می خواهد در کنارش بنشیند، جایی برایش باز کند .

و. بر خورد گرم و صمیمی

امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: وقتی حضرت با کسی مصافحه می کرد، هیچ گاه اتفاق نیفتاد که . حضرت دستش را از دست او جدا کند تا اینکه آن شخص دستش را برمی داشت و اگر کسی برای بیان حاجتی با او صحبت می کرد، حضرت هیچ گاه سخن او را قطع نمی کرد و از او جدا نمی شد تا آن شخص . سخن را به پایان برد و از حضرت جدا شود

در روایت دیگری با همین مضمون با اندکی تفاوت، انس بن مالک می گوید: ده سال با رسول خدا(ص) بودم، عطری از او استشمام می کردم که بهتر از آن را سراغ ندارم. هرگاه کسی با حضرت ملاقات می کرد، وقت جدا شدن، حضرت همراه او بلند می شد. و کسی نزد رسول خدا(ص) نشست مگر اینکه حضرت وقت برخاستن با او برخاست، و در وقت دست دادن، تا وقتی فرد دستش را جدا نمی کرد، حضرت در این کار پیش قدم نمی شد.

اگر کسی از حضرت دعوت به عمل می آورد، در مهمانی او شرکت می نمود و برایش تفاوتی نمی کرد که دعوت کننده عبد باشد یا آزاد. هدیه افراد را هرچند اندک بود، می پذیرفت. به چهره افراد خیره نمی شد. اگر کسی از اشتباه خود عذر می خواست، حضرت عذر او را می پذیرفت. اگر کسی مریض می شد، حتی در دورترین نقطه شهر، به عیادتش می رفت و تکریم مسلمان پس از حیات او نیز از سیره حضرت بود. از این رو، در تشییع جنازه افراد حضور پیدا می کرد.

مصادیق تکریم

الف. مشورت

یکی از مهم ترین مصادیق تکریم شهروندان در سیره رسول خدا، «مشورت» حضرت با اصحاب در جنگ هاست. یکی از نمونه های مشورت حضرت با اصحاب، در جنگ بدر است. مسلمانان به قصد مصادره اموال کاروان تجاری قریش، که از شام برمی گشت، از مدینه بیرون آمدند، اما در حال حرکت به سمت بدر، خبر رسید که سپاه قریش عازم آن منطقه است. با این خبر، اوضاع کلی دگرگون شد و مسلمانان، که برای حمله به کاروان خود را آماده کرده بودند، در مقابل یک لشکر مسلح، که در تعداد افراد نیز سه برابر بودند، روبه ور شدند.

رسول خدا(ص) از همراهان پرسید که آیا حاضرند در این شرایط در برابر قریش بایستند یا نه؟

ابوبکر و عمر هر کدام برخاستند و سخنانی گفتند که بوی تهدید و ترس می داد و پیامبر به حرف آنها اعتنایی کرد. سپس مقداد بن عمرو سخنانی در اطاعت از حضرت بیان کرد، اما باز پیامبر از مردم مشورت خواست؛ مخاطب حضرت در اصل انصار بودند؛ چرا که آنها در بیرون مدینه نسبت به پیامبر

تعهدی نداشتند. در نهایت، با اعلام حمایت انصار، پیامبر دستور حرکت صادر فرمود و پرچم جنگ . برافراشته شد

مورد دیگر نیز در همین جنگ است، در مکانی که پیامبر برای جنگ توقف کردند: حباب بن منذر از رسول خدا(ص) سؤال کرد: آیا در جایی که توقف کرده‌اند به دستور خدا منزل کرده‌اند، یا نه؟ رسول خدا فرمود: دستوری از طرف خدا نیامده است. آن‌گاه حباب گفت: بهتر است نزدیک چاهی که آب گوارایی داشته باشد توقف کنیم تا در هنگام جنگ، به راحتی از آب استفاده نماییم. رأی او پذیرفته شد . و در نزدیکی چاه آب توقف کردند

مشورت دیگر در جنگ بدر مربوط به پایان جنگ و کیفیت برخورد با اسیران است. از جمع آن‌ها دو نفر یعنی عقبه بن معیط و نضر بن حارث، که از عناصر فعال بر ضد پیامبر و مسلمانان بودند، به دستور پیامبر، و به دست حضرت علی 7 کشته شدند، اما درباره سایر اسرا نظر برخی از اصحاب آن بود که همه آن‌ها را به قتل برسانند، ولی شماری دیگر از مهاجر و انصار بر فدیة گرفتن اصرار داشتند

دیگر مشورت پیامبر با اصحاب در جنگ احد است: وقتی خبر لشکرکشی قریش در مدینه به پیامبر و مسلمانان رسید، حضرت با مسلمانان مشورت کرد. عده‌ای، که تعدادشان اندک بود و در میان آن‌ها عبدالله بن اُبی حضور داشت، معتقد بودند که در مدینه بمانند و از شهر دفاع کنند و گفته‌اند که نظر پیامبر نیز همین بوده است. اما عده‌ای از جوانان و کسانی که در بدر نبودند و برخی بزرگ سالان مانند حضرت حمزه و سعد بن عبادۀ اصرار داشتند که در بیرون مدینه با دشمن روبه‌رو گردند تا مبادا متهم به ترس شوند. پیامبر نظر اکثریت را قبول کرد و زره جنگ پوشید. در این هنگام، صحابه که احساس کردند با خواست رسول خدا(ص) مخالفت کرده‌اند، پشیمان شدند و نزد حضرت رفتند و اظهار ندامت کردند، ولی پیامبر فرمود: اکنون که زره به تن کرده، سزاوار نیست آن را بیرون آورد. 15 پس از اتمام جنگ و شکست مسلمانان، شبهه‌ای مطرح شد که در این امر، جای مشورت نبوده است. آیه (و شاورهم فی الامر) (آل عمران: 159) نازل شد تا این شبهه را دفع کند؛ زیرا در هر صورت، فایده مشورت بالا بردن شخصیت مردم و تکریم آن‌هاست و این مهم‌تر است

ب. تفقّد و احوال‌پرسی

بزرگواری و عنایت حضرت به افراد و شهروندان را نباید فقط منحصر به مسائل سیاسی و اجتماعی، که در آن تعاون و همکاری در پیشبرد امور مطرح است، دانست، بلکه تمام اقشار جامعه به نوعی از محبت و بزرگواری حضرت برخوردار بودند و در این میان، تکریم حضرت نسبت به اصحاب از همه چشمگیرتر است. سیره کریمانه ایشان با اصحاب باعث ایجاد ارتباط عاشقانه و وحدت فکری و اجتماعی فکری و اجتماعی می‌شد که همه خود را وابسته به این کانون عشق و ایثار و کرامت می‌دیدند و هیچ‌گاه پیامبر را از خود جدا نمی‌دانستند. انس بن مالک نقل می‌کند: هرگاه پیامبر یکی از اصحاب را سه روز نمی‌دید، درباره او سؤال می‌کرد؛ اگر آن فرد در شهر نبود برایش دعا می‌کرد، اگر حضور داشت به دیدن او می‌رفت و اگر مریض بود از او عیادت می‌نمود.

ج. ادب در خطاب

در مخاطب قراردادن افراد، از سخن و عباراتی که باعث تضعیف شخصیت او شود، پرهیز می‌نمود. علاوه بر اینکه اصحاب را با کنیه صدا می‌زد، اگر کسی کنیه نداشت برای او کنیه قرار می‌داد و گاهی اسامی برخی افراد را به خاطر منافات با کرامت انسانی‌شان عوض می‌نمود.

ح. تکریم مهمان

تکریم مهمان بخش دیگری از سیره رسول خدا(ص) است. همراهی با مهمان در خوردن طعام، به خاطر آنکه مهمان احساس تنهایی نکند و شرم‌نده نشود، از کارهای آن حضرت بود. از امام موسی بن جعفر(ع) روایت شده است: هنگامی که برای رسول خدا(ص)، مهمان می‌رسید، حضرت با او غذا می‌خورد و تا وقتی مهمان از غذا خوردن دست نمی‌کشید، پیامبر همچنان به خوردن غذا ادامه می‌داد.

در این امر، تفاوتی بین برده و آزاد نبود. به همین دلیل از جمله مسائلی که حضرت فرمود تا وقت مرگ ترک نخواهم کرد، نشستن روی زمین و هم‌غذا شدن با بردگان است.

ط. تکریم بیشتر نسبت به بزرگان قوم

آوازه اخلاق حسنه و برخورد های کریمانه حضرت گاهی قلوب بزرگان عرب را متوجه خود می نمود و در اولین برخوردها، حتی زمانی که آن ها هنوز اسلام اختیار نکرده بودند، مشمول الطاف کریمانه پیامبر قرار می گرفتند. جریر بن عبدالله می گوید: وقتی پیامبر مبعوث شد، به محضرشان شرفیاب شدم تا اسلام آورده، با ایشان بیعت کنم. حضرت به من فرمود: برای چه کاری آمده ای؟ عرض کردم: آمده ام تا به دست شما مسلمان شوم. حضرت عبایش را برای نشستن من پهن نمود و سپس رو به اصحاب فرمود: هرگاه بزرگ قومی نزد شما می آید او را احترام نمایید

درباره نبی گرامی نقل شده است: حتی در حین اقامه نماز، اگر کسی برای حاجتی در کنارش می نشست، حضرت نمازش را سریع تر تمام می کرد و مشکل و حاجتش را می پرسید. وقتی مشکل او حل می شد، دوباره به نماز می ایستاد .

معاشرت با علماء:

در دین مقدس اسلام و سیره عملی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) همواره بر تکریم علمای دین و دانشمندان تأکید شده است.

:پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود

اَكْرِمُوا الْعُلَمَاءَ فَإِنَّهُمْ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ فَمَنْ أَكْرَمَهُمْ فَقَدْ أَكْرَمَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ [1]؛»

دانشمندان را گرامی دارید که آنها وارثان پیامبرانند و هر که آنان را احترام نماید، خدا و رسولش را «احترام نموده است».

:امام علی (علیه السلام) فرمود

لَا تُحَقِّرَنَّ عَبْدًا آتَاهُ اللَّهُ عِلْمًا فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَحَقِّرْهُ حِينَ آتَاهُ إِيَّاهُ [2]؛»

بنده ای (کسی) را که خدا علم و دانش داده (توفیق عطاء فرموده و اسباب کارش را جور کرده تا علم و دانش آموخته و دانشمند شده) حقیر و کوچک مشمار، زیرا خدا هنگامی که به او علم داده او را حقیر «و کوچک نشمرده».

بر همین اساس نیز روایات متعددی نحوه برخورد مناسب با علما و دانشمندان ذکر گردیده که به تعدادی از آنها اشاره می نمایم

دیدار و زیارت علما

یکی از توصیه های مهم اسلام زیارت و دیدار با علما می باشد، چرا که در پرتو ارتباط مستمر و مداوم با علما و دانشمندان دینی زمینه بهره گیری از معارف و علوم الهی نصیب انسان گردیده و هدایت انسان را در مسیر درست تضمین می نماید

امام علی (علیه السلام) می فرمایند

جَالِسِ الْعُلَمَاءِ تَزِدُّكَ عِلْمًا [3]؛»

«با علما مجالست کن و علمت را زیاد کن»

سلام ویژه به عالم

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خصوص حق عالم می فرماید

وَ إِذَا دَخَلْتَ عَلَيْهِ وَ عِنْدَهُ قَوْمٌ فَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ جَمِيعاً وَ خُصَّهُ بِالتَّحِيَّةِ دُونَهُمْ [4]؛»

و هر گاه بر او در آئی و گروهی نزدش بودند بر همه آنان سلام کن و درود فرست، و او را بر ایشان به «تحیت و درود اختصاص ده

به پا خواستن در برابر عالم

شخصی از امام صادق (علیه السلام) پرسید: کسی که برای تعظیم و بزرگ داشتن مردی به پا ایستد (چگونه است)؟ فرمود: مکروه و ناپسندیده است مگر برای مردی که در دین و آیین عالم و دانشمند است. [5]

پرهیز از منازعه با عالم

چنان که امام موسی کاظم (علیه السلام) فرمود

عَظَّمَ الْعَالِمَ لِعِلْمِهِ وَدَعَّ مُنَازَعَتَهُ [6]؛ «

عالم را به جهت علمش تعظیم و احترام کن و با او منازعه منما»

در روایت دیگری امام صادق (علیه السلام) می فرماید

در برابر عالم زیاد نگویند که «قال فلان و قال فلان خلافاً لقوله» [7]؛ «فلان عالم چه فرموده و فلان عالم «
«دیگر چه مطلبی بر خلاف گفته شما فرموده است»

فروتنی و تواضع

پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند: از اخلاق مؤمن به خدا و رسول تملّق و چاپلوسی نیست مگر درباره به دست آوردن علم و دانش (که سزاوار است برای معلّم و عالم تملّق و فروتنی نمود). [8]

در پایان لازم است این نکته را یادآوری نماییم که این همه تکریم و احترام نسبت به عالمان، بدین جهت است که آنان انسان های متعهد، راهنمای مردم، مخالف بدعت ها، پاسدار اندیشه های ناب، طرفدار حقوق محرومان، روشن کننده چراغ امید در دل انسان ها هستند، اما کسانی که با وجود سواد و علم ظاهری از تعهد و مسئولیت بهره ای نبرده اند، سزاوار تکریم نیستند

پی نوشت ها

نهج الفصاحه، حدیث 450 . [1]

بحار الأنوار، ج 2، ص 44 . [2]

تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص 47 . [3]

بحار الأنوار، ج 2، ص 43 . [4]

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) مَنْ قَامَ مِنْ مَجْلِسِهِ تَغْظِيمًا لِرَجُلٍ قَالَ مَكْرُوهٌ إِلَّا لِرَجُلٍ فِي الدِّينِ، « . [5]

بحار الأنوار، ج 2، ص 43

تحف العقول، النص، ص 394 . [6]

اصول کافی، ج 1، ص 37 . [7]

لَيْسَ مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِ الْمَلَقُ إِلَّا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ»، بحار الأنوار، ج 2، ص 45 «. [8]²

² <https://hawzah.net/fa/LifeStyle/View/52090>

در این قسمت به آداب معاشرت که باعث موفقیت انسان می شود و در تمام جوامع حتی جوامع غیر مسلمان پذیرفته شده است اشاره میشود:

قواعد آداب معاشرت

برخی از قوانین اساسی آداب معاشرت که برای مدت بسیار طولانی بین افراد جامعه مرسوم بوده و رعایت می شوند به شرح زیر است

تشکر کردن

یک تشکر ساده می تواند به نشان دادن قدردانی شما از یک کار باشد. تشکر از افرادی که به شما کمک کرده اند، حتی اگر کار کوچکی باشد، یکی از آداب معاشرت در جامعه است.

تعریف و تحسین کردن

سخاوتمندانه قدردانی خود را به افراد نشان داده و در صورت لزوم از آن ها تعریف و تمجید کنید. این کار می تواند به صمیمیت شما با دیگران کمک کند و همچنین حال درونی افراد را هم بهتر کند.

خودکنترلی

خودکنترلی یکی از اساسی ترین آداب در جامعه است، مخصوصا اگر میان جمعیت زیادی باشید. اگر می خواهید از قوانین آداب و معاشرت استفاده کنید، به رفتار، صدا و آداب خود توجه کرده و آنها را بررسی کنید.

عدم تکبر

تکبر یک صفت نامطلوب در جامعه محسوب می‌شود. پس حواستان باشد که به چیزهایی که دارید و یا به آن‌ها رسیده‌اید، در میان جمع تکبر نورزید، چرا که اعمال شما به تنهایی گویا هستند و احتیاجی به دمیدن در شیپور شما نیست.

گوش دادن فعال

اگر به دنبال رعایت آداب معاشرت هستید، به جای اینکه بیشتر صحبت کنید، فعالانه گوش فرا دهید. وقتی در حال گوش دادن هستید، با چیزهای زیادی که می‌توانند بسیار به شما کمک کند، آشنا می‌شوید.

قطع نکردن صحبت دیگران

یکی از زشت‌ترین اعمال در آداب معاشرت، قطع کردن حرف افراد است. هنگامی که در میان جمع، فردی مشغول به صحبت کردن است، صبور باشید و هنگامی که حرفش را تمام کرد، صحبت کنید. قطع کردن صحبت دیگران نشانه بی‌احترامی به دیگران است.

با احتیاط صحبت کردن

سخنان شما، ابزاری قوی در ایجاد و قطع روابط در میان افراد است. اگر شما به دنبال رعایت آداب معاشرت در جامعه هستید، با لطافت و همچنین با احتیاط صحبت کنید.

وقت شناس بودن

یکی از مهم ترین آداب معاشرت، وقت شناس بودن است. اگر به دنبال رعایت قوانین آداب و معاشرت هستید، وقت شناس باشید. دیر رسیدن نشان دهنده عدم احترام و درک است که بسیار بی ادبانه به نظر می رسد

برقرار کردن تماس چشمی

اگر به دنبال رعایت قوانین برای آداب معاشرت هستید، در طول مکالمات خود، ارتباط چشمی تان را با مخاطبین حفظ کنید. چرا که این کار سطحی از اعتماد و درک را میان شما ایجاد می کند

همچنین تماس چشمی برقرار کردن، نشانه ای از اعتماد به نفس بوده و شما را در موقعیت خوب و مثبتی نشان می دهد. افرادی که در طول یک مکالمه به چیزهای متعدد دیگری نگاه می کنند، در جلب اعتماد شخصی که با او صحبت می کنند، با شکست مواجه می شوند

ایستادن در هنگام معرفی

اگر می خواهید، آداب معاشرت در جامعه را رعایت کنید، در هنگام معرفی، بایستید و یک دست دادن یا احوالپرسی ارائه دهید. حتی اگر در وسط کاری هستید (مثلا شام می خورید) ایستادن به نوعی قدردانی در هنگام معرفی، محسوب می شود

نگه داشتن درب ها

اگر به دنبال رعایت آداب معاشرت و نشان دادن احترام به افراد هستید، وقتی با دیگران وارد محیطی در بسته می شوید، هنگام ورود درب را برای آن ها نگه دارید

هدیه گرفتن

اگر به یک مهمانی دعوت شده و یا به ملاقات فردی می‌روید، گرفتن یک هدیه هرچند کوچک یکی از قوانین آداب معاشرت است.

پرداختن سهم خود

اگر به صورت گروهی بیرون رفته‌اید، سهم خود را جداگانه بپردازید. امروزه تقسیم صورت حساب امری رایج بوده و همچنین این کار یکی از قوانین آداب معاشرت به حساب می‌آید.

شروع به خوردن غذا

اگر پشت میزی با هشت مهمان یا کمتر می‌نشینید، صبر کنید تا از همه پذیرایی شود و میزبان شروع به غذا خوردن کند.

نحوه صحبت با بلندگو

از بلندگو استفاده نکنید مگر اینکه در دفتر خود باشید و جلسه ای را برگزار کنید که شخصی از راه دور در آن شرکت می‌کند. به شخصی که با او صحبت می‌کنید، هشدار دهید که دیگران در آنجا حضور دارند و در را ببندید.

اصول آداب معاشرت در خانواده

از قواعد آداب معاشرت در خانواده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد

احترام گذاشتن به حق هم

از لحن مودبانه استفاده کردن در صحبت کردن

فراموش نکردن تشکر کردن برای قدردانی

احترام گذاشتن به وسایل یکدیگر

استفاده نکردن از وسایل یکدیگر بدون کسب اجازه

احترام گذاشتن به فضای شخصی اعضای خانواده

جمع کردن وسایل خود

احترام گذاشتن به دست جمعی غذا خوردن

با دهان پر صحبت نکردن

میان حرف اعضای خانواده نپريدن

داد نزدن بر سر اعضای خانواده

قواعد آداب معاشرت در فضای کسب و کار

زندگی حرفه‌ای مجموعه‌ای از قوانین و مقررات خاص خود را دارد که به عنوان آداب معاشرت کسب و

کار پنهان شده‌اند. برخی از آن‌ها بسیار رایج هستند که در زندگی روزمره با آنها مواجه می‌شویم، در

حالی که یادآوری برخی از آنها کمی دشوار است.

یک فرد باید بداند که چگونه در محل کار رفتار کند. تفاوت زیادی بین زندگی دانشگاهی و حرفه‌ای

وجود دارد. فرد باید در محل کار نظم و انضباط داشته باشد. آداب معاشرت شرکتی به مجموعه قوانینی

اطلاق می‌شود که یک فرد باید در حین کار از آن پیروی کند.

شخص باید به سازمان خود احترام بگذارد و آراستگی محل را حفظ کند. آداب معاشرت شرکتی به

رفتار معقول و مناسب در محل کار برای ایجاد تأثیری ابدی اشاره دارد. اگر در محل کار خوب رفتار

نکنید، هیچکس شما را جدی نمی‌گیرد.

به یاد داشته باشید که ما نمی‌توانیم در محل کار همان طور که در خانه‌مان رفتار می‌کنیم، رفتار کنیم. فرد باید حرفه‌ای و منظم باشد. مهم است که در محل کار خوب رفتار کنید تا احترام و قدردانی به دست آورید.

در ادامه به برخی از قواعد آداب معاشرت در فضای کسب و کار اشاره می‌کنیم

سلام مهم است

احوالپرسی، یک ادب اولیه و بخشی جدایی‌ناپذیر از آداب اجتماعی و تجاری است. مودب و مهربان باشید زیرا باعث ایجاد رابطه بهتر و مسالمت‌آمیزتر می‌شود

جملات ساده‌ای مانند "حالت چطور است" و حتی یک تکان سر یا لبخند گرم برای نشان دادن اهمیت شما به دیگران کافی است.

اسامی مهم هستند

آداب اولیه معاشرت ایجاب می‌کند که خود را به دیگران معرفی کنیم. در هنگام معرفی، نام خانوادگی‌تان را با نام کوچک خود بگویید. برخی افراد عادت دارند نام یا نام خانوادگی خود را به تنهایی بیان کنند، اما بهتر است برای رعایت قوانین آداب معاشرت، این کار را نکنید

همچنین به اسم طرف مقابل هم توجه کنید. نام او را به خاطر سپرده و آن را به درستی تلفظ کنید چرا که هیچ کس دوست ندارد اسمش را اشتباه صدا کنند. اگر ابهامی برایتان در رابطه با اسم کسی به وجود آمد، از او در مورد شکل صحیح تلفظ پرسید

لباس‌ها دارای اهمیت هستند

یکی از مهم ترین آداب معاشرت در کسب و کار، پیروی از پوشیدن لباس مناسب در هر سمت و موقعیت است. شما نمی‌توانید با پوشیدن لباس‌های غیر رسمی به یک جلسه بروید، زیرا این کار از آداب معاشرت کسب و کار به دور است.

به این توجه داشته باشید که اولین چیزی که یک شخص به آن توجه می‌کند لباس شماست و یک لباس غیر رسمی در یک محیط رسمی شما را متمایز کرده و بی‌احترامی به جمع و موقعیت محسوب می‌شود.

به زبان بدن خود توجه کنید

آداب معاشرت کسب و کار ایجاب می‌کند که به زبان بدن خود توجه کنید. برای مثال صاف ایستادن در حضور همکاران، همسالان و مافوق خود، به ویژه در هنگام جلسات و رویدادها، الزامی است.

مشارکت خود را نشان دهید

اگر به دنبال رعایت آداب معاشرت در جامعه هستید، مهم است که در طول مکالمه با افراد، نشان دهید که به آن‌ها توجه می‌کنید. سر تکان دهید و لبخند بزنید و همچنین نشان دهید که فعالانه به آن‌ها گوش می‌دهید و به گفتگو علاقه‌مند هستید.

مودب باشید

اگر به دنبال قوانین برای آداب معاشرت در کسب و کار خود هستید، مودب بودن با افراد در ابتدای لیست این قوانین قرار می‌گیرد. ارتباط ابزار مهمی در زندگی حرفه‌ای شما به حساب می‌آید.

شما باید در تمام انواع ارتباطات چه رو در رو، چه در اسکایپ، تلفن و غیره مودب باشید چرا که لحن، صدا، عبارات، کلمات شما برای نشان دادن آنچه که احساس می‌کنید، دارای اهمیت زیادی است.

وقت شناس باشید

اگر به دنبال نکات مهم در رعایت آداب معاشرت هستید، هر زمان که در یک پروژه یا مشتری برای یک جلسه یا شرکت در یک رویداد مهلت مقرر دارید، وقت شناس باشید

به خاطر داشته باشید که وقتی دیر می‌کنید، به افراد بی‌احترامی می‌کنید و همین در ادامه می‌تواند به اعتبار حرفه‌ای شما آسیب برساند. در صورت تاخیر، لازم است با دیگران تماس بگیرید و از قبل تاخیر خود را به آنها اطلاع دهید.

فضای کار خود را مرتب کنید

یکی از مهم‌ترین قوانین برای رعایت آداب معاشرت در محیط کار، منظم و تمیز نگه داشتن فضای کاری‌تان است.

وسایل بیهوده را دور بیندازید تا فضای کاری شما نامرتب به نظر نرسد. آداب کسب و کار ایجاب می‌کند که سیستم مناسبی را در جای خود نگه داشته و زباله‌ها را در فواصل زمانی معین در سطل زباله بریزید.

مراقب دیگران باشید

اگر به دنبال رعایت قوانین برای آداب معاشرت تجارت هستید، پس مراقب دیگران باشید. چرا که چندین نفر با عادات مختلف در اطراف شما کار می‌کنند. با درک کردن آنها و احترام به تفاوت‌هایشان از آنها مراقبت کنید. به خاطر داشته باشید که همه چیز فقط مربوط به شما نیست و افراد اطراف شما نیز اهمیت دارند.

بهداشت شخصی خود را رعایت کنید

• یکی از مهم‌ترین قوانین آداب معاشرت در محل کار رعایت بهداشت شخصی شخصی خود است

آداب و نحوه غذا خوردن در میان همکاران

این نوع آداب، افراد را از قوانین و مقررات مربوط به عادات غذایی خود آگاه می‌کند. وقتی دهان پر است صحبت نکنید، از کسی که غذایتان را سرو میکند تشکر کنید، تا زمانی که همه غذا را تمام نکردند. میز را ترک نکنید و غیره از آداب معاشرت مهم غذا خوردن هستند

آداب و نحوه نشستن صحیح در جمع

در مکالمه، کسی که دچار رکود می‌شود، احتمالاً به شخص دیگری بی‌علاقه برخورد می‌کند. بنابراین، مهم است که در مکالمات خود صاف بنشینید و بایستید. صاف نشستن نشان می‌دهد که هوشیار و درگیر صحبت طرف مقابل خود هستید

نبايدها در محل کار

اجازه دهید برخی از نبايدها در محل کار را باهم مرور کنیم

• هرگز در محل کار نگرش معمولی را اتخاذ نکنید

• به اتاقک‌ها و ایستگاه‌های کاری دیگران نگاه نکنید

• ثبت‌ها یا فایل‌های دفترچه یادداشت شخص دیگری را بدون اجازه او باز نکنید

• عطسه کردن یا سرفه کردن در ملاء عام بدون پوشاندن دهان، آداب بدی است

• از سیاست‌های ناخوشایند در محل کار خودداری کنید

از انجام بازی‌های سرزنش کننده خودداری کنید

هرگز هیچ یک از همکاران خود را مورد انتقاد یا مسخره قرار ندهید

هرگز بر سر کسی فریاد نزنید و از کلمات زشت استفاده نکنید

هرگز در جلسات یا سمینارها بدون دفترچه یادداشت و خودکار شرکت نکنید

از عطرها و قوی استفاده نکنید

خانم‌ها باید از پوشیدن جواهرات سنگین در محل کار خودداری کنند

نظرات زشت را به هیچ یک از همکاران خود منتقل نکنید

مطمئن شوید که قاشق و چنگال صدای تق تق در نمی آید

وسیله نقلیه خود را در ورودی پارک نکنید زیرا ممکن است راه کسی را مسدود کند

فواید استفاده صحیح از قواعد آداب معاشرت

آداب معاشرت شما را به فردی با فرهنگ تبدیل می‌کند که هر جا می‌رود اثری از خود برجای می‌گذارد. آداب معاشرت به شما نحوه صحبت کردن، راه رفتن و از همه مهم‌تر، رفتار در جامعه را می‌آموزد.

آداب معاشرت برای اولین تاثیر ابدی ضروری است. نحوه تعامل شما با مافوق، والدین، همکاران، دوستان، در مورد شخصیت و تربیت شما بسیار صحبت می‌کند

آداب معاشرت افراد را قادر می‌سازد تا در جامعه مورد احترام و قدردانی قرار گیرند. هیچ کس حوصله صحبت با فردی را ندارد که نمی‌داند در جامعه چگونه صحبت یا رفتار کند

آداب معاشرت باعث ایجاد احساس اعتماد و وفاداری در افراد می‌شود. آدم مسئولیت پذیرتر و بالغ تر می‌شود. آداب معاشرت به افراد کمک می‌کند تا برای روابط ارزش قائل شوند

جمع بندی

اصطلاح آداب معاشرت واژه‌ای بسیار کوچک است اما نقش‌ها و مسئولیت‌های زیادی را در بر می‌گیرد که به یک نیروی راهنما در جامعه تبدیل شده‌اند

بدون شک این واژه به معنای پیروی از اصول اخلاقی، احترام به دیگران، ایجاد فضای شخصی، آسودگی خاطر با حضور خود، مهربانی، مودب بودن و رعایت اخلاق و شرافت در هر موقعیتی است

قواعد آداب معاشرت را طوری تمرین کنید که ریشه‌دار شود و بتوانید به طور خودکار تمام رفتارهای خوبی را که جامعه از ساکنانش می‌خواهد، نشان دهید